دعوت عام «ایران» برای کمک به بیماران بی بضاعت

جوان بیمار میهمان سفره دلمان شد

فاطمه جان، دخترک کوچک دوست داشتنی، دیروز وقتی نوشتیم پشت پنجره منتظر نشسته ای بلکه کسی بیاید و یک سبد شکوفه روی سرت بریزد، خیلی ها تلفن زدند، خیلی ها هدیه های کوچکشان را فرستادند که شاید بشود کاری کرد.

اگر آنهایی که وعده آمدن داده اند، اگر آنها که گفته اند چند میلیون کمک می کنند، بیایند، می شود یکی از همین روزها فاطمه کوچولو را به اتاق عمل برد و لحظه بعد وقتی از شنیدن صدای مادرش ـ هر چند که معنایی از آن متوجه نشود ـ می شکفد، به خاطر این لحظه ها به بودن هایمان، به عشق ورزیدن هایمان، به نفس کشیدن هایمان افتخار کنیم.

■ میهمانی جدید

زنی می آید. با چادری سیاه که بر سر دارد و چشمانی پر از اشک و کیسه ای بزرگ پر از عکس و نسخه و آزمایش. زن آمده تا جوانش را سر سفره دلمان بنشاند. آمده بلکه بشود کاری کرد که جوانش کمتر درد بکشد. محمد ۲۲ ساله است، سه ماه قبل وقتی یکدفعه پای او ورم کرد و سیاه شد، مادرش او را به بیمارستان میلاد رساند. پزشکان او را به بیمارستان ولیعصر و سپس به بیمارستان امام خمینی هدایت کردند. در آنجا بود که زن متوجه شد پهلوی لگن سمت راست، غده ای بزرگ و رشد یافته است.

محمد تحت مداوا قرار گرفت. غده خارج شد و درمان ادامه یافت، ولی پس از مدت کوتاهی دوباره محمد دچار همان مشکلات شد. این بار دکتر به مادر محمد گفت: پس از عمل دوم روی پسرت، احتمالاً پای او قطع شود. محمد از وقتی متوجه شد که شاید پایش قطع شود، دیگر حاضر نشد به اتاق عمل برود. پزشک هم برای کنترل درد و درمان او دو قرص تجویز کرد.

هدیه های بهاری تان را به شماره حساب جاری ۳۹۸۸ بانک ملی شعبه خجسته - کد شعبه ۷۹۹ به نام مؤسسه فرهنگی -مطبوعاتی ایران، به بیماران بی بضاعت ببخشید

حالا زن با ۴ بچه مانده است. خودش می گوید: شوهرم از چند سال قبل معتاد شده و کاری به کار من و بچه ها ندارد. در این سال ها در خانه ها کارگری کرده ام تا هزینه درمان پسرم و خورد و خوراک بچه ها را تأمین کنم. دستان پینه بسته و خسته اش را نشان می دهد. تنها ۳۷ سال دارد، اما انگار خیلی زود پیر شده است. زن مدارک مربوط به دادخواست طلاق را جلویم می گذارد. شوهرم نه برای من و نه برای بچه هایش احساس مسؤولیت نکرد، برای همین رفته ام و تقاضای طلاق کرده ام. عکس جوانش را که می خواهم از کیفش درمی آورد.

ـ پسرم اگر بفهمد که اینجا آمده ام و عکسش چاپ شده، از غصه دق می کند. به خدا من آبرودارم. بچه دیگری دارم که می خواهد مدرسه برود. دختر بزرگ دارم و...

***

۱۶ روز می شود که محمد بدون دارو مانده است. ۱۶ روز است که از درد به خودش پیچیده و زن از اینکه جوانش جلو رویش عذاب می کشد، شکنجه می شود. می گوید: آخرین بار وقتی از بیمارستان خواستند مرخصش کنند، پول تسویه حساب نداشتم. مرخص کردند، ولی چون می دانستند باز هم باید به خاطر جوانم مراجعه کنم، گفتند اگر پول را نیاوری، دفعه دیگر که بیایی، بستری اش نمی کنیم.

***

زن هرچه نسخه و کاغذ داشته برایمان می گذارد و می رود. هنوز به در تحریریه نرسیده، برمی گردد.

ـ **یعنی برای جوان من امیدی هست؟**

به چشمان خسته این زن زحمتکش نگاه می کنم و لبخندی به رویش می زنم تا دوباره اشک هایش را نبینم.

با دستور رئیس قوه قضاییه برای پیگیری ویژه کودک ربایی از آلمان به ایران:

جست و جو برای یافتن «ملیکا»ی ۴ ساله آغاز شد

گروه حوادث: رئیس قوه قضاییه در دستور ویژه ای خواستار بررسی ماجرای ربوده شدن دختربچه ای در آلمان و انتقال غیرقانونی وی از سوی پدرش به خاک ایران شد.

پدر ملیکای ۴ ساله، در حالی دختربچه اش را پنهان کرده است که دستگاه های قضایی ایران و آلمان حق نگهداری و حضانت بچه را به مادرش سپرده اند.

■ چشم به راه دختر

ساعت ۱۶ عصر روز یکشنبه ۱۸ دی ماه سال ۸۴ ـ هشتم ژانویه ۲۰۰۶ میلادی ـ زن ۲۹ ساله ایرانی با چهره ای مضطرب و هراسان در میدان مرکزی شهر هامبورگ آلمان ایستاده بود و چشم هایش را به اطراف می چرخاند تا اثری از دختر ۴ ساله اش ببیند. قرار بود پدر ایرانی «ملیکا» پس از جشن تولد دختر دوستش، دختربچه را به مادرش برگرداند، زن جوان آخرین بار شب قبل با دخترش تلفنی حرف زده بود و از صبح هر چه با موبایل شوهر سابقش تماس گرفته بود، جوابی نشنیده بود.

یک ساعت چشم به راهی کافی بود که مادر «ملیکا» مطمئن شود دختربچه اش از سوی پدر وی ربوده شده است و این مرد حتماً می خواهد «ملیکا» را به ایران بازگرداند. زن جوان با رساندن خود به کیوسک تلفن عمومی با خانواده اش در ایران تماس گرفت، صدایش می لرزید و از آنان خواست به فرودگاه بروند تا شاید «ملیکا» به همراه پدرش در آنجا دیده شود.

■ اداره پلیس آلمان

هنوز غروب نشده بود که «شیلا» به همراه یکی از دوستانش وارد اداره پلیس هامبورگ شد و گریه کنان پیش روی بازرس آلمانی ایستاد، او با ارائه مدارک دادگاه هامبورگ که نشان می داد حق نگهداری از دختر بچه ۴ سال اش به طور قانونی و با رضایت پدرش به وی داده شده است و گفت: «قرار بود پس از متارکه من و پدر «ملیکا» او شنبه های هر هفته از ساعت ۱۱ صبح تا ۶ بعدازظهر نزد پدرش باشد حتی به خاطر برخی شلوغ کاری های شوهر سابقم گذرنامه های آلمانی و ایرانی و حتی شناسنامه او در اختیار وکیلش بود تا نتواند ملیکا را با خود ببرد و من از طریق دادگاه، «ملیکا» را ممنوع الخروج کرده بودم.

وی ادامه داد: «این بار به بهانه اینکه جشن تولد دختر دوستش است اجازه گرفت تا «ملیکا» یک شب نزد او بماند، پذیرفتم اما دلهره داشتم تا اینکه سرقرار رفتم و هر چه ایستادم خبری از «ملیکا» و پدرش نشد، به موبایلش زنگ زدم هیچ جوابی داده نشد و احتمال می دهم آن دو بخواهند آلمان را ترک کنند.» پلیس هامبورگ از آنجا که ملیکا، ممنوع الخروج بود و پدرش نیز بدون مدارکش نمی توانست خاک آلمان را ترک کند از مادر «ملیکا» خواست به جست وجوهایش ادامه دهد و اگر ردپایی از آنان به دست نیامد نزد پلیس بازگردد.

■ ملیکا، در ایران

ساعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه همان روز، خانواده مادر «ملیکا» که در فرودگاه مهرآباد پروازهای آلمان را زیر نظر داشتند پدر و دختر را دیدند که مانند همه مسافران از بازرسی فرودگاه گذشتند و این در حالی بود که همه مدارک آنان در خاک آلمان مانده بود و کسی به آن دسترسی نداشت. وقتی مادر «ملیکا» در تماس تلفنی با خانواده اش شنید دختربچه اش از خاک آلمان ربوده شده است بعد از اینکه پلیس آلمان را در جریان قرار داد خواستار رسیدگی قضایی و پلیسی و بازگردانده شدن دختربچه اش به خاک آلمان شد.

■ رأی دادگاه آلمان

۴۸ ساعت بعد شعبه ۸۸۷ دادگاه خانواده هامبورگ در منطقه بارمبک به ریاست قاضی وینتربرگ به شکایت «شیلا رضاقزوینی»، رسیدگی کرد و خود را با توجه به توافقنامه صلاحیت ادارات و اجرای قانون حمایت از کودکان خردسال ـ MSA ـ صالح به بررسی این پرونده خانوادگی دانست. در رأی قاضی وینتر آمده است: «پدر ملیکا، در آخر هفته گذشته بعد از دیدار فرزند، او را به مادر برنگردانده و با توجه به ادعاهای موثق مادر، پدر «ملیکا» این دختر را مخفیانه به ایران ربوده است، این عمل یک تخلف آشکار از قراری است که بین پدر و مادر روز سوم نوامبر ۲۰۰۵ ـ ۱۲ آبان ماه سال ۸۴ ـ در دادگاه منعقد شده بود.

در این توافقنامه پدر «ملیکا» پذیرفته بود که محل زندگی همیشگی دخترش در خانه مادر بوده و او بتواند روزهای شنبه هر هفته ملیکا را ملاقات کند و ساعت ۱۸ بعدازظهر این ملاقات به اتمام برسد و دادگاه حق سرپرستی را به مادر داده بود.

علاوه بر این ربودن ملیکا به ایران به وسیله پدرش یک تخلف آشکار غیرقانونی بوده است چرا که طبق توافقنامه و رأی دادگاه، پدر و مادر ملیکا یا هر کس دیگر اجازه ندارد ملیکا را از مرزهای آلمان و از مرزهای کشورهای قرارداد شنگن خارج کند.

قاضی وینتر در بخشی از رأی با تأکید بر ساقط شدن حق سرپرستی پدر «ملیکا» آورده است: «جدا کردن ناگهانی و قاطع ملیکا از مادرش باعث خطر آسیب روحی به ملیکا که تکیه گاه اصلی اش و عاطفی اش مادر بوده، شده است و همه این دلایل باعث می شود که حق سرپرستی تنها به مادر داده شده و پدر او مکلف است ملیکا را به آلمان بازگرداند و همچنین طبق قانون ایران در هر حال حق حضانت ملیکا، تا سن هفت سالگی به مادر تعلق می گیرد پس پدر ملیکا به دستور عاجل دادگاهی موظف است که بچه را فوراً به مادر بازگرداند.»

■ شکایت در ایران

مادر ملیکا، وقتی با فیلمی که خواهرش در ایران از دختربچه او در حال رفتن به استخر زنانه همراه عمه اش گرفته بود مطمئن شد که «ملیکا» از خاک آلمان قاچاق شده است، برای بازپس گرفتن دختربچه اش به ایران سفر کرد.

این زن در طرح شکایتی نزد قاضی شعبه ۲۶۴ دادگاه خانواده (۲) گفت: «حدود ۶ سال پیش با مردی که عموی دوست خواهرم بود و در آلمان زندگی می کرد، ازدواج کردم، او دندانساز بود و از ۱۵ سال پیش در آلمان بسر می برد، وقتی نزد این مرد رفتم متوجه رفتارهای خشن او شدم، اومن را به باد کتک می گرفت تا جایی که بینی ام شکست و دو بار با دخالت پلیس «آلتونا»ی آلمان، به دادگاه هامبورگ رفتیم.

تصور می کردم با به دنیا آمدن بچه ام، روحیاتش تغییر کند تا جایی که مطلع شدم او قبل از من با دختری آلمانی ازدواج کرده است و از او و دختری ۱۲ ساله به نام «میشاییل الیزاهام» دارد. باز کوتاه آمدم اما به دنیا آمدن ملیکا، هیچ تأثیری در روحیاتش نگذاشت.

وقتی به ایران سفر می کردیم و گلایه می کردم همه می خواستند با آموخته هایی که از داشتن لیسانس روانشناسی همراهم است استفاده کنم، در زندگی به تابلوی ایست خورده بودیم، در خانه ای که با هم زندگی می کردیم هیچ حرفی بین ما رد و بدل نمی شد و کاملاً قهر و جدا زندگی می کردیم حتی یک بار خواستم در ایران با او زندگی کنم اما اختلافمان بیشتر شد، وقتی به آلمان برگشتیم قرار بر طلاق گذاشتیم، حضانت ملیکا به من سپرده شد و خود شوهرم نیز تأکید بر آن داشت تنها می خواست خانه ما مشخص باشد تا وقتی از ایران به آلمان آمد بتواند ملیکا را ببیند اما او را دزدید و به ایران آورد و خواستار بازگرداندن دخترم هستم.»

■ رأی دادگاه ایران

رئیس شعبه ۲۶۴ دادگاه خانواده ۲ بعد از بررسی مدارک مادر «ملیکا» روز ۱۲ بهمن ماه سال ۸۴ حق حضانت ملیکا را برای جلوگیری از آسیب های روحی و روانی دختربچه به مادرش سپرد و مأموران کلانتری با دستور سرپرست اجرای احکام مجتمع قضایی خانواده ۲ مأموریت یافتند تا «ملیکا» را به مادر بازگردانند.

■ بن بست

با وجود اینکه دستگاه های قضایی ایران و آلمان رأی به سپرده شدن حق حضانت و نگهداری ملیکا، به مادرش داده بودند و از سوی دیگر پلیس نیز برای شناسایی مخفیگاه پدر و دختر وارد عمل شده بود با پنهان کاری های بستگان پدری «ملیکا» و ادعای اینکه هیچگاه «ملیکا» و پدرش به ایران نیامده اند و نزد آنان نبوده است، سرنوشت ملیکا به بن بست خورد. بدین ترتیب، مادر این دختربچه با مدارکی که نشان می داد پدر ملیکا پس از ربودن دختر بچه او را در ایران پنهان کرده است به طرح شکایت جنایی پرداخت.

■ دستور دادیار جنایی

دادیار شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران وقتی عکس هایی از ملیکا دید که همراه عمه اش از استخر زنانه خارج و به خانه وی رفته اند، آنان را به دادسرای جنایی احضار کرد. این زن که نمی دانست خاله ملیکا، به فیلمبرداری پنهانی از او و ملیکا دست زده است ابتدا منکر حضور برادرزاده اش در خاک ایران شد اما وقتی عکس ها را دید، پذیرفت تا چند روز پیش برادرش و ملیکا در خانه آنها پنهان بوده اند اما از سرنوشت آنان اطلاعی ندارد.

مادر ملیکا که نگران دختربچه اش است اصرار به ردیابی محل پنهان کردن ملیکا کرد و دادیار جنایی به مأموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران مأموریت داد تا دست به اقدامات تجسسی زده و با پیدا کردن «ملیکا» او را به مادرش بازگردانند. بدین ترتیب، پلیس متخصص در زمینه آدم ربایی وارد عمل شد و با وجود بررسی های گسترده نتوانست گره کور این پرونده را باز کند و بن بست دیگری پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت.

■ نامه ای برای رئیس قوه قضاییه

مادر «ملیکا» که می دید هیچ پیشرفتی در بازگرداندن دختربچه اش به وی نشده است در نامه ای به رئیس قوه قضاییه، آیت الله شاهرودی را در جریان جزئیات پرونده قرار داد. در این نامه که به همراه مدارک قضات ایران و آلمان و دستور آنان برای سپرده شدن حضانت ملیکا به مادرش بود، زن جوان خواستار دستور ویژه بالاترین مقام قضایی ایران در بازپس گیری دخترش و اجازه انتقال وی به آلمان که مقیم آنجا هستند شد.

■ دستور ویژه رئیس قوه قضاییه

آیت الله شاهرودی پس از مطالعه نامه مادر ملیکا و مدارک دادگاه ایران و آلمان دستور بررسی ویژه پرونده را صادر کرد و خسرو حکیمی مستشار دیوانعالی کشور در مقام مدیرکل دبیرخانه قوه قضاییه دستور قضایی آیت الله شاهرودی را در اختیار قاضی شیرج رئیس حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضاییه قرار داد.

بنا به گزارش خبرنگار جنایی ما، دستور رئیس قوه قضاییه برای اقدام به سرپرست دادسرای امور جنایی تهران ارسال شده است و تیم تحقیق اقدامات تازه ای را آغاز کرده اند.

سردار رویانیان اعلام کرد

کاهش ۵۰ درصدی صدور جرایم رانندگی در نوروز

معاون راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی گفت: در نوروز امسال در سطح شهرها ۲۴ درصد و در جاده ها ۱۴/۵ درصد کاهش صدور قبض جریمه گزارش شده و به طور کلی در این ایام ۵۰ درصد در صدور قبض جریمه کاهش داشتیم.

سردار محمد رویانیان در حاشیه حضور در مرکز نظارت همگانی ناجا در جمع خبرنگاران افزود: در روزهای عادی ۹۰ هزار قبض جریمه در کشور صادر می شود و این در حالی که این رقم در ایام نوروز به ۴۵ هزار قبض جریمه در طول نوروز رسید. وی با اشاره به افزایش تعداد خودرو در سال جاری گفت: با توجه به افزایش خودرو و افزایش سفر، راهنمایی و رانندگی ۲۵ درصد رشد تصادفات و ۱۸ درصد افزایش کشته ها را در طول نوروز پیش بینی کرده بود که با اقدامات صورت گرفته میزان تصادفات تا حد قابل توجهی کاهش یافت و قطعاً در رقم کشته های جاده ای نیز با کاهش مواجه بوده ایم. معاون راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی خاطرنشان کرد: در طول سال، میزان شکایت مردم از مأموران راهنمایی و رانندگی ۱۶ درصد بود، در حالی که در نوروز امسال این شکایات به حداقل رسید و ۹۰ درصد مردم از طرح نوروزی امسال رضایت داشتند.

سردار رویانیان با تأکید بر اینکه در بخش شماره گذاری و صدور گواهینامه، شأن مردم رعایت نشده است، گفت: این سیستم دچار اشکالاتی است که بخشی از آن به راهنمایی و رانندگی مربوط می شود و ما این نواقص را اصلاح خواهیم کرد.

معاون راهنمایی و رانندگی در خصوص افرادی که شرایط دریافت گواهینامه ۱۰ ساله را دارند گفت: افرادی که تا قبل از پایان مهرماه ۸۴ در امتحانات شهری و آئین نامه قبول شده اند می توانند گواهینامه ۱۰ ساله دریافت کنند.

بازپرس اصغرزاده این فرضیه را قوی دانست

سایه خودکشی در مرگ «پروازی مقدم»

گروه حوادث ـ طبق بررسی ها و تحقیقاتی که پلیس آگاهی تاکنون انجام داده، حادثه مرگ دبیر ورزشی روزنامه رسالت خودکشی بوده است.

بازپرس اصغرزاده با بیان این مطلب افزود: بر اساس تحقیقات انجام گرفته، مرحوم «پروازی مقدم» بر اثر سقوط از طبقه دوازدهم کشته شده است. به گفته این مقام قضایی، تحقیقات نشان می دهد که قربانی حادثه در جریان سقوط با نبشی کولر طبقه نهم ساختمان پلاسکو برخورد کرده و حتی مقداری از موهای وی در محل برخورد پیدا شده است. وی افزود: از آنجایی که مطالب زیادی درباره مرحوم پروازی مطرح می شد، مأموران به بررسی خودرو وی پرداختند و تلفن همراه و مقداری پول را در داخل خودرو پیدا کردند و به این ترتیب فرضیه خودکشی قربانی حادثه قوی تر است.

در همین راستا، سرهنگ خوئینی، معاونت جنایی آگاهی تهران نیز گفت: دست نوشته ها و اشعاری از متوفی پیدا شده که نشان از ناراحتی و افسردگی وی در چند روز پیش از حادثه می دهد، ولی بررسی های دقیق و کارشناسانه پلیس در این باره ادامه دارد. سازمان پزشکی قانونی نیز با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: با توجه به معاینات و کالبدگشایی انجام شده، فوت «مرتضی پروازی مقدم» بر اثر صدمات ناشی از برخورد جسم سخت در اثر سقوط از ارتفاع بوده، ولی نحوه حدوث این حادثه باید در تحقیقات قضایی روشن شود. همچنین از آنجایی که در تمام موارد مشابه آزمایشات سم شناسی انجام می گیرد، برای نامبرده هم این آزمایشات انجام و نتیجه بعداً اعلام می شود.

دانشجوی ربوده شده آزاد شد

رئیس دانشگاه شهید باهنر کرمان از آزاد شدن دانشجوی دکترای زمین شناسی این دانشگاه که هفته گذشته در منطقه «قلعه گنج» گروگان گرفته شده بود، خبر داد. دکتر امیری، به ایسنا گفت: طبق اطلاعات حاصل شده از سوی مسؤولان مربوطه، این دانشجو که برای انجام تحقیقات علمی به محله «قلعه گنج» رفته و در آنجا به گروگان گرفته شده بود، روز گذشته با تلاش مأموران از دست اشرار آزاد و به نیروهای خودی تحویل داده شد.

ساعت مچی سرنخی در قتلگاه زن ناشناس

گروه حوادث: یک عدد ساعت مچی تنها نشانه پلیس برای شناسایی هویت قربانی جنایت منطقه بلوار فردوس تهران است.

راز این قتل هنگامی فاش شد که پیکر بی جان زن جوانی در داخل کانال آب این منطقه پیدا شد. این حادثه ساعت ۱ و ۴۴ دقیقه بامداد روز ۱۲ فروردین ماه سال ۸۴ رخ داد. به گفته پزشکان قانونی قربانی حادثه ۴۵ ساله بود و ۱۶۵ سانتی متر قد و ۷۰ کیلوگرم وزن داشت. براساس بررسی های پلیس قربانی جنایت به هنگام کشف جسدش پیراهن کاموایی سه رنگ مشکی، طوسی و قرمزرنگ آستین کوتاه به تن داشت. هم اکنون ساعت مچی به دست آمده از قربانی حادثه به عنوان تنها سرنخ پلیس برای شناسایی هویت قربانی حادثه است. بازپرس «اصغرزاده» از شعبه دوم دادسرای جنایی تهران از کسانی که اطلاعی از هویت قربانی حادثه دارند خواست تا مراتب را به شعبه دوم بازپرسی یا شماره تلفن ۵۵۳۸۹۰۴۸ آگاهی تهران اطلاع دهند.

پدر «فراز» در دادگاه از بی گناهی شان گفت

گروه حوادث: پدر فراز می گوید بخاطر حس پدری پذیرفته که در سوزاندن جسد «آندیا» و انداختن آن داخل چاه همراه پسرش بوده است.

این مرد وقتی روبروی ۵ قاضی دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت نه تنها خود را بی گناه دانست بلکه ادعا کرد «فراز» نیز وقتی او را در بازداشت پلیس دیده است سناریوی جنایی قتل «آندیا» را به گردن گرفته است. این مرد وقتی نماینده دادستان توضیح داد که در بازسازی صحنه جنایت فراز تنها توانسته تا پمپ بنزین وردآورد چگونگی حادثه را شرح دهد و از آن جا به بعد این پدرش بود که به بازسازی چگونگی انتقال و سوزاندن جسد آندیا و انداختن آن داخل چاه پرداخته است، گفت: «من آن جا را بیشتر از پسرم می شناختم و این کار را انجام دادم.»

دستگیری ۲ مرد خطرناک

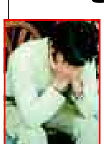

گروه حوادث: عاملان سرقت از یک تاجر افغانی در جریان تجسس های پلیسی بازداشت شدند. این دو متهم در حالی که مسلح به کلت کمری بودند، با حمله به پارکینگ خودرو در خیابان وزرا اموال این مرد را به سرقت بردند. حادثه این تهاجم مسلحانه ساعت ۱۴ و ۴۵ دقیقه روز ۱۷ فروردین ماه سال جاری رخ داد. در بازجویی های انجام گرفته از یکی از متهمان مشخص شد او از مأموران اخراجی پلیس است. با ارائه اطلاعاتی از سوی این متهم، مخفیگاه همدست او شناسایی و این مرد نیز دستگیر شد. با توجه به این یافته ها به دستور بازپرس توکلی، متهمان تا انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان آگاهی قرار گرفتند.

توطئه برای قتل اعضای خانواده یک دوست

گروه حوادث: فریادهای دختر ۱۲ ساله خبر از وقوع جنایتی می داد که در جریان آن مرد جوانی به طمع به دست آوردن پولهای دوستش، توطئه قتل اعضای این خانواده را طراحی کرده بود.

در جریان این اقدام تبهکارانه پدر خانواده با ضربات کارد مهاجم جوان به قتل رسیده و دختر ۱۲ ساله و برادرش به طور معجزه آسایی از مرگ نجات یافتند. مأموران وقتی خود را به محل حادثه رساندند، با پیکر بی جان مرد خانواده درحالی روبرو شدند که با اصابت ضربات کارد از پای درآورده بود. آنان وقتی به طبقه دوم خانه رفتند، با در بسته آنجا روبرو شدند، این درحالی بود که صدای گریه های دختر ۱۲ ساله از داخل اتاق شنیده می شد، بدین ترتیب پلیس با شکستن قفل خانه مرد جوانی را در برابر خود دید که کارد بلندی در دست داشت و دختربچه نیز در گوشه ای از اتاق نیمه جان روی زمین افتاده بود. با دستگیری این مرد، ماجرای قتل به بازپرس «حسینی» از شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران اطلاع داده شد.

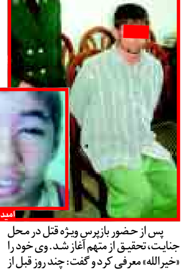

امید ـ نجات یافته ـ

پس از حضور بازپرس ویژه قتل در محل جنایت، تحقیق از متهم آغاز شد. وی خود را «خیرالله» معرفی کرد و گفت: چند روز قبل از اصفهان به تهران آمدم. در خانه دوستم بودم. شب قبل بر سر مسائل مالی با قربانی حادثه درگیری پیدا کردم. بنابراین نیمه شب درحالی که او در خواب بود، با کارد به جانش افتادم. با صدای درگیری ما پسر ۶ ساله و دختر ۱۲ ساله مقتول متوجه شدند. من به ناچار سیم شارژ تلفن همراه را به دور گردن امید ۶ ساله انداختم. پس از دقایقی او بی حال شده و روی زمین افتاد. سپس سراغ خواهرش رفتم که با فریادهای او نتوانستم او را بکشم.

درحالی که این متهم مرگ پسر ۶ ساله خانواده را مطرح می کرد که تنها یک جنازه در محل حادثه بود. لحظاتی بعد پسر ۶ ساله به همراه یکی از بستگانش به محل حادثه آمد. وی در این باره گفت: وقتی این مرد سیم را به دور گردنم پیچاند، بعد از لحظه ای خودم را به مردن زدم و او مرا رها کرده، سراغ خواهرم رفت. من هم بعد از رفتن او به خانه یکی از آشنایانمان فرار کردم و کمک خواستم.

مادر پسر معتاد خود را کشت

مادر ۶۰ ساله، پسر معتادش را با وارد کردن ضربات چماق به قتل رساند. مأموران کلانتری «۱۱ خیبر» در شهرستان اسلام آباد غرب از توابع کرمانشاه از مرگ مشکوک مردی در این شهرستان مطلع شدند. به گزارش ایسنا، وی همچنین در تحقیقات بعدی به عمل آمده، انگیزه این اقدام خود را اعتیاد پسرش دانست.

پنج نفر در تصادف محور زاهدان ـ بم کشته شدند

معاون اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: در تصادف روز دوشنبه در محور زاهدان ـ بم پنج نفر از هموطنان کشته شدند. سرهنگ پاسدار محمد عرب در گفت وگو با ایرنا افزود: این تصادف بین یک دستگاه خودروی تویوتا و یک دستگاه اتوبوس رخ داد که تمامی سرنشینان تویوتا کشته شدند. وی گفت: علت این تصادف توسط کارشناسان در دست بررسی است. محور زاهدان ـ بم ـ کرمان از محورهای پرتردد در جنوب شرق کشور است.

«اعطای نمایندگی انحصاری فروش»
یک شرکت بزرگ و قدیمی تولید کننده انواع دستمال کاغذی، نوار بهداشتی و پوشک بچه با تولید بیش از ۳۳ قلم کالا برای تکمیل سیستم توزیع فروش خود در سراسر کشور نماینده معتبر و فعال با ارائه ضمانت نامه بانکی می پذیرد. در صورت تمایل رزومه کاری خود را به شماره ۰۴۶۱-۲۲۲۹۸۲۹ و یا شماره ۰۴۶۱-۳۵۶۳۴۳۳ فکس و یا با شماره تلفنهای ۳۱ الی ۰۴۶۱-۳۵۶۳۴۲۸ و یا ۰۴۶۱-۲۲۲۲۹۷۴ تماس حاصل فرمائید.

گمشده

عکس فوق متعلق به پروانه کریمی فرد می باشد که از تاریخ ۸۴/۸/۱۶ از منزل خارج و تاکنون مراجعت ننموده است. کسانی که از نامبرده اطلاعی دارند خواهشمند است با شماره تلفنهای ۰۹۱۲۲۸۰۱۲۴۴ و ۰۲۵۲-۶۷۶۴۱۳۰ و ۰۲۵۲-۶۶۲۳۷۴۴ تماس حاصل نمایند و خانواده او را از نگرانی برهانند.

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
آگهی مناقصه عمومی
وزارت کشور در نظر دارد، «امور خدماتی، سرویسدهی آبدارخانه ها و نظافت ساختمان مرکزی و واحدهای تابعه» خود را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه واجدین شرایط که دارای گواهی صلاحیت، رتبه بندی و طرح طبقه بندی مشاغل کارگری مورد تأیید وزارت کار و امور اجتماعی می باشند، دعوت می شود برای دریافت شرایط مناقصه حداکثر ظرف مدت ۴ روز از تاریخ درج آخرین آگهی با ارایه معرفی نامه به نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، ساختمان ستاد مرکزی وزارت کشور، طبقه دوم، دبیرخانه اداره کل پشتیبانی مراجعه نمایند.
اداره کل پشتیبانی

فراخوان عمومی برای شناسایی پیمانکار به منظور عملیاتی نمودن مجموعه نرم افزارهای جامع
یک شرکت معتبر تولید قطعات خودرو، در نظر دارد تهیه و تأمین یک مجموعه نرم افزاری جامع آماده بهره برداری برای پیاده سازی و عملیاتی نمودن در حوزه های تأمین و تدارکات، تولید، مهندسی، پشتیبانی، فروش، مالی و اداری را از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
لذا از کلیه شرکتهای عضو شورای عالی انفورماتیک که در زمینه اجرای سیستم های فوق دارای توانایی لازم می باشند، درخواست می گردد اعلام آمادگی خود با توجه به اطلاعات ذیل را حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۰ به نشانی تهران، صندوق پستی شماره ۱۵۹ -۱۸۱۳۵، دبیرخانه شرکت، ارسال نمایند. بدیهی است پس از بررسی اطلاعات واصله، اسناد مناقصه برای شرکتهای واجد شرایط ارسال خواهد شد.
ویژگیهای بسته نرم افزاری:
-یکپارچگی پایگاه اطلاعاتی نرم افزار
-استفاده از پایگاه اطلاعاتی Oracle
-معماری Client/Server یا Web base
-قابلیت انطباق با فرآیندهای محیط کاربر (اعمال تغییرات برای رفع نیازهای کاربر)
سایر اطلاعات درخواستی:
-مشخصات کارکردی هر یک از سیستمها و زیرسیستمهای نرم افزاری
-سخت افزار و نرم افزار پایه برای استقرار بانک اطلاعاتی و رابط کاربر
-مدت زمان استقرار و پیاده سازی و انطباق با محیط کاربر
-سوابق استفاده از نرم افزار در سایر شرکتها
-مشخصات عمومی شرکت متقاضی
باتشکر
روابط عمومی